

دکتر گری میدورز، شناخت اراده خدا، جلسه ۱۳، نقش مشیت

گری میدورز و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

دوباره به درسگفتارهای ما در مورد الهیات کتاب مقدس برای شناخت اراده خدا خوش آمدید. طبق فهرست مطالب، ما در بخش سوم، چالش‌های ذهنی تشخیص هستیم. ما در مورد وجدان صحبت کرده‌ایم

دفعه‌ی قبل داشتیم در مورد روح القدس صحبت می‌کردیم که جلسه را تمام کردیم. وقت من خیلی تمام شده بود. و همانطور که می‌بینید، می‌خواهم کمی در آنجا صحبت کنم، اما نیازی به یادداشت‌ها نیست، باشه؟ چون سخنرانی امروز در واقع سخنرانی سیزدهم است

کدام نقش مشیت الهی است، کدام قانون اساسی ۱۳ است. قانون اساسی ۱۳، نقش مشیت الهی. اینها یادداشت‌هایی هستند که باید هنگام گوش دادن به سخنرانی امروز در دسترس داشته باشید

اما نقش روح القدس کمی طولانی‌تر بود. در واقع، فکر می‌کنم باید عجله کنم. اما وظیفه اصلی من این است که شما را به اندازه کافی کنجکاو کنم تا خودتان تحقیق کنید، زیرا اعتقادات شما باید توسط خودتان توسعه یابد

شما نمی‌توانید فقط به حرف‌های من گوش دهید. من به شما نکاتی را گوش می‌دهم و شما را به مسیرهای خاصی هدایت می‌کنم. شما باید کار خودتان را انجام دهید و کم و بیش به نتایج خودتان برسید، بسته به مهارت‌هایتان و زمانی که برای فکر کردن در مورد آن دارید

اما دفعه قبل که با نقش روح القدس صحبت را تمام کردیم، من واقعاً حرفم را تمام نکردم. گفتیم که داریم درباره کولسیان و برخی متون دیگر صحبت می‌کنیم که به دلیل زیان مذهبی پولس، به راحتی به اشتباه خوانده می‌شوند. اما بگذارید به این اسلاید خاص برسم که لازم نیست آن را داشته باشید

همانطور که گفتم، از نحوه توضیح من متوجه خواهید شد که چه اتفاقی دارد می‌افتد. اصول مربوط به کار روح و هدایت. در طول دوره رسولان، خداوند از هدایت و حیانی برای اهداف رستگاری-تاریخی استفاده کرد

در طول عهد عتیق، او مستقیماً ارتباط برقرار می‌کرد، با کاهنان کار می‌کرد و در بقیه عهد عتیق عمدتاً با پیامبران همکاری داشت. اما این یک فرآیند آشکار و حیانی بود. کتب مقدس آنها، مانند دوره عهد جدید، طی حدود صد مرحله در حال انجام بود

اما آن وحیانی بود. این نوع هدایتی نبود که ما در موردش صحبت می‌کنیم. در عصر کلیسای فعلی، کلام خدا تنها قانون مصون از خطا برای ماست

ما قوانین مصون از خطا دیگری نداریم. شما می‌توانید حضور روح را در هر چیزی که می‌خواهید ادعا کنید، اما هنوز مصون از خطا نیستید زیرا این یک ادعای ذهنی است. ادعایی که به نظر من می‌تواند گمراه‌کننده باشد

کلام خدا تنها قانون مصون از خطا ماست. علاوه بر این، کلام خدا کامل و کافی است. کافی بودن به این معنی نیست که به همه چیز در فرهنگ‌های جاری از زمان کتاب مقدس می‌پردازد، بلکه به این معنی است که کافی است با ساختارهای ضمنی و خلاقانه خود به آن برسید

شما برای مدیریت زندگی خود، کلام مطمئنی دارید. با این حال، مسیحیان در مورد تعدادی از این موارد اختلاف نظر دارند، زیرا طبق احکام الهی، او مداخله نکرده تا همه را به یک نتیجه برساند. او می‌توانست این کار را انجام دهد، اما این کار را انتخاب نکرد.

اینکه چرا او اجازه داده این تنوع عظیم وجود داشته باشد را فقط خدا می‌داند. اما این چیزی است که ما داریم. این وضعیت موجود است و بنابراین، ما باید آن را مدیریت کنیم، سپس در مورد آن فکر کنیم و در چارچوب خودمان با آن برخورد کنیم.

در نتیجه، ما نباید به دنبال وحی خارج از کتاب مقدس باشیم. کاش به ما گفته می‌شد که این کار را انجام دهیم. آیا عالی نمی‌شد اگر می‌توانستیم یک تلفن آبی روی میز خود داشته باشیم، آن را برداریم و مستقیماً با خدا صحبت کنیم و او دقیقاً به ما بگوید چه کار کنیم؟

حتی وقتی کتاب مقدس در مورد آن صحبت نمی‌کند، او هنوز می‌تواند به ما بگوید. اما خدا این کار را انتخاب نکرده است. او ما را ربات نیافریده است.

او ما را به تصویر خود آفریده تا فکر کنیم، احساس کنیم، انتخاب کنیم و تصمیم بگیریم. او حتی به ما اجازه می‌دهد اشتباه کنیم، بنابراین شاید بتوانیم با رسیدن به تصمیم درست، وضعیت زندگی خود را بهبود بخشیم. بنابراین، به دنبال مکاشفه‌های خارج از کتاب مقدس نباشید.

تو چیزی را درخواست می‌کنی که خدا قرار نیست فراهم کند. اراده‌ی خدا گم نشده است. پنهان نیست.

اراده خدا زمانی آشکار می‌شود که ما مسائل زندگی را از طریق آموزه‌های کتاب مقدس قضاوت کنیم. بنابراین به نظر من، درخواست راهنمایی وحیانی خلاف شیوه عملکرد خداست. بسیار خوب، حالا بیایید این را تمرین کنیم.

ما زیاد در مورد وجدان صحبت کرده‌ایم. و به یاد دارید، در جهان بینی و ارزش‌های پیچیده در فرآیندهای تفکر ما، وجدان همیشه به جهان بینی و ارزش‌ها نگاه می‌کند. و اگر آن را نقض کنیم، وجدان باعث درد می‌شود.

درد اینکه، هی، من نباید این کار را بکنم. یا حداقل این سوال که، آیا من اینجا از مسیر خارج شده‌ام؟ و بنابراین، در نتیجه، شما دائماً این را دارید. اما حالا، وقتی در مورد روح صحبت می‌کنیم، مشاهده می‌کنیم که روح و وجدان هر دو شاهد بودند.

این طناب اصلی آنها بود. پس، ببینید در یک لحظه چه اتفاقی خواهد افتاد. خودآگاهی انتقادی درونی، قلمرو وجدان و قلمرو روح است.

یک شاهد درونی برای جهان بینی و ارزش‌هایی که ما می‌شناسیم و به کار می‌بریم. بنابراین، در نهایت، روح نیز به عنوان آگاه، ما را در رابطه با تفکرمان تماشا می‌کند. و هیچ راهی برای ما وجود ندارد که وقتی در مورد چیزی محکوم هستیم، ادعای مطلق داشته باشیم، اینکه آن محکومیت از کجا آمده است.

آیا این از خوداندیشی درونی و وجدان ما در رابطه با جهان بینی و ارزش‌هایمان ناشی شده است؟ یا اینکه به این دلیل آمده است که روح القدس بر جهان بینی و ارزش‌های ما انگشت می‌گذارد؟ انگشت او. و بنابراین، این به یک سوال تبدیل می‌شود. و بنابراین، در پایان روز، آنچه اتفاق می‌افتد این است.

روح القدس و وجدان در ذهن عمل می‌کنند. روح، مانند وجدان، محکوم می‌کند. این اصطلاح کلیدی در اشاره به جهان بینی و مجموعه ارزش‌های ماست.

چالش ما این است که مسائل را بر اساس جهان بینی و ارزش‌هایمان تشخیص دهیم. و از آن فشار درونی که احساس می‌کنیم آگاه باشیم. ما آن را چیزهای زیادی می‌نامیم.

من فقط آن را اعتقاد راسخ می‌نامم. و در نهایت، از بعضی جهات، چه وجدان ما را محکوم کند و چه روح القدس، واقعاً هیچ تفاوتی ایجاد نمی‌کند. هر دو از ما می‌خواهند که یک کار را انجام دهیم.

برای بررسی جهان بینی و ارزش‌هایمان. برای تحقیق در رابطه با مسائلی که به آنها فکر می‌کنیم. نه اینکه از راه میان‌بر، یعنی احساسات خودمان، استفاده کنیم که هر بار ما را گمراه می‌کند.

بنابراین، می‌توانید ببینید که چگونه وجدان و روح در کل این فرآیند در هم تنیده شده‌اند. تمایز وجدان و روح القدس. از آنجا که وجدان و روح القدس در ذهن عمل می‌کنند، تشخیص صداهایی که ادعا می‌کنیم می‌شنویم غیرممکن است.

حالا، افرادی خواهند بود که خواهند گفت این درست نیست. خب، اگر دوست دارید می‌توانید اینطور فکر کنید، اما متوجه می‌شوید که باید کتاب مقدس را مطالعه کنید و به دنبال شواهد باشید. اما باید کتاب مقدس را در متن آن مطالعه کنید.

شما نمی‌توانید متنی را از میان نوشته‌های حواریون که خطاب به آنها نوشته شده، مانند آنچه در سخنرانی‌های اتاق بالا و جاهای دیگر آمده، انتخاب کنید. شما نمی‌توانید متنی را از عهد عتیق انتخاب کنید. و بسیاری از متون در واقع شما را به کتاب مقدس ارجاع می‌دهند.

شما فقط متوجه نمی‌شوید چون متن را آنطور که باید با دقت نخوانده‌اید. بنابراین، از آنجا که وجدان و روح در ذهن عمل می‌کنند، تشخیص صداهایی که ادعا می‌کنیم می‌شنویم غیرممکن است. ما خودمان با خودمان صحبت می‌کنیم.

اما در آن جنبه اسرارآمیز، روح خدا می‌تواند ما و همچنین وجدان ما و شاید حتی بیشتر را متقاعد کند. اما روح محتوا را منتقل نمی‌کند، نه محتوای وحیانی جدید و نه محتوای تفسیری. می‌توانید پنج دیدگاه را روی یک تکه کاغذ بنویسید و بگویید و دعا کنید، روح القدس، به من بگو کدام درست است.

خب، شما به خدا توهین کرده‌اید، چون این‌طور نمی‌شود. خدا به شما می‌گوید که تکلیفتان را انجام دهید تمام تلاشتان را بکنید، تصمیمی بگیرید و سپس با آن زندگی کنید تا به هر دلیلی، شاید پاداش بگیرید یا شاید از شما خواسته شود که آن را دوباره ارزیابی کنید. در نتیجه، ما صداهایی را که ادعا می‌کنیم می‌شنویم، بر اساس جهان بینی و نظام ارزشی کتاب مقدس که خودمان آن را قضاوت کرده‌ایم، تشخیص می‌دهیم.

همیشه به ذهن دگرگون شده برمی‌گردد. به یاد داشته باشید، نقش روح القدس ملزم کردن است، نه انتقال محتوا. بسیار خب، این نتیجه‌گیری نقش روح القدس است، حداقل برای هدف ما.

بدیهی است که تحقیقات بسیار بیشتری داریم که ممکن است لازم باشد خودتان انجام دهید. اما اکنون، ما قصد داریم در اینجا به موضوع مشیت الهی پردازیم و شما به یادداشت‌های خود برای این جلسه خاص یعنی مبحث سیزدهم، در مورد نقش مشیت الهی نیاز خواهید داشت. وای، اگر به روح القدس یا حتی وجدان

فکر کنید، وجدان در مقایسه با برخی از این موارد بسیار آسان است و همه آنها در مقایسه با مسئله مشیت الهی آسان هستند.

شما می‌توانید با یک جمله‌ی ساده‌انگارانه، مشیت الهی را ساده کنید: خدا این کار را کرد. خدا و همه چیز را به خداوند ربط دهید. اشتباهات شما، شکست‌های شما، می‌توانید به همین سادگی بگویید که همه چیز کار خداست.

داره‌ی چیزی بهم یاد میده. راستش رو بخوای، به نظرم یه جورایی گستاخیه. نمی‌خوام خدا رو به خاطر حماقت و بی‌دقتی‌ام، به خاطر بی‌فکری‌ام سرزنش کنم.

بنابراین، باید در مورد نحوه‌ی برخوردمان با این مسئله‌ی مشیت الهی محتاط باشیم. علاوه بر این، مشیت الهی حوزه‌ای است که در آن به مسئله‌ی شر در ادبیات و اخلاق پرداخته می‌شود و نقش مشیت الهی در آن است. و این یکی از چالش‌برانگیزترین حوزه‌ها در الهیات است.

بنابراین، من فقط می‌خواهم در اینجا به مشیت الهی پردازم، سعی می‌کنم حد وسطی بین این دو افراط و تفریط پیدا کنم و از شما بخواهم که در مورد چند تصویر کلی فکر کنید. این کمی مختصر خواهد بود، اما فکر می‌کنم تنها کاری است که می‌توانیم اینجا انجام دهیم. بحث بر سر پیوستار حاکمیت

، به یاد داشته باشید، حاکم یک اسم است، و خدا حاکم است. او چنین خدایی است. حاکمیت، حاکمیت خدا، آن را بیشتر در یک حوزه قیدی قرار می‌دهد، که نحوه عمل خدا است.

کلمه مشیت الهی واقعاً اعمال خدا را پوشش می‌دهد، حتی اگر ما کلمه حاکم را به مفهوم قیدی تبدیل کنیم و آنها را به همان شکل توصیف کنیم. و من دوست دارم اینگونه آنها را از هم جدا نگه دارم. ما یک خدای حاکم داریم و مشیت الهی عمل اوست.

حال، باید بگوییم، پیوستاری از دیدگاه کلاسیک در مورد حاکمیت یا مشیت الهی و دیدگاه خداپاوری آزاد وجود دارد که به وجود آمد و مطمئنم ریشه‌های باستانی دارد، اما ما در مورد موارد اخیر هستیم. در دیدگاه والا در مورد مسئله مشیت الهی، دیدگاه کلاسیک آگوستین، کالوین، جاناتان ادواردز و بسیاری دیگر را دیدیم. آنها ادعا می‌کنند که خدا همه چیز را می‌داند، خدا همه چیز را کنترل می‌کند.

، و همانطور که کمی در آنجا تأکید می‌کنم، اراده آزاد مقید به طبیعت است. بنابراین آزادی حتی محدود است، اما توسط یک مسئله طبیعی محدود شده است. یک دیدگاه سطح پایین، که امروزه در بسیاری از محافل بسیار برجسته است.

پسر بزرگی به نام جان ساندرز، طرفدار اصلی چیزی بود که ما آن را خداپاوری آزاد می‌نامیم. من متخصص خداپاوری آزاد نیستم. من حتی در این زمینه تازه‌کار هم نیستم.

من از دیدگاه کلاسیک هستم. آنها بشریت را کاملاً آزاد می‌دانند و اظهاراتی در مورد خدا دارند که مرا گیج می‌کند. خدا همه چیز را از قبل نمی‌داند، اما او با خرد خود به محض وقوع آنها رسیدگی می‌کند.

فکر کنم این بخشی از حفاظت از آزادی انسان است. خب، من وارد این بحث نمی‌شوم. می‌توانید آن را بررسی کنید و به آن رسیدگی کنید.

بنابراین ما یک دیدگاه بالا و یک دیدگاه پایین داریم. من می‌خواهم از مسیر بالا، دیدگاه کلاسیک، استفاده کنم و خدا می‌داند، خدا کنترل می‌کند، اما ما چالش‌های زیادی داریم. پاسخ به چالش‌ها از دیدگاه پایین آسان‌تر است.

به نظر من، احتمالاً همین است که آن را اشتباه می‌کند، چون راستش را بخواهید، پاسخ‌های آسان هرگز پاسخ‌های درست نیستند. من دیدگاه سطح بالا در مورد دیدگاه کلاسیک را پیشنهاد می‌کنم. یکی از بهترین کتاب‌هایی که دیده‌ام و واقعاً به مسائل مربوط به مشیت الهی می‌پردازد، کتاب «*فوائد مشیت*» نوشته *اشپیگل و «نگاهی نو به حاکمیت الهی»* نوشته کراسوی است.

در یادداشت‌های مربوط به این موضوع، در مورد مشیت الهی، فهرستی از کتاب‌ها را در اختیاران قرار خواهم داد، اما این جای کار دارد. جان پایپر اخیراً کتاب بسیار مفصلی در مورد مشیت الهی نوشته است، اما به نظر من، کاری که پایپر انجام داده، به تصویر کشیدن مشیت الهی است، نه لزوماً توضیح حوزه‌های دشوارتر آن او آیات، روایات و الگوهای در مورد مشیت الهی به ما ارائه داده است، اما کتاب‌های دیگر او بیشتر به چالش‌های فلسفی و کلامی این حوزه می‌پردازند.

مشیت الهی، اعمال مقاومت‌ناپذیر خداوند است. من سال‌ها پیش آیه ۴۲:۲ از کتاب ایوب را در نسخه استاندارد آمریکایی حفظ کردم. این یکی از آیات زندگی من است و ایوب می‌گوید: می‌دانم که تو بر هر کاری قادر هستی و هیچ هدفی از تو را نمی‌توان مهار کرد.

شما فقط زبان قدیمی را آنجا می‌شنوید. من می‌دانم که تو بر هر کاری قادری و هیچ هدفی از تو را نمی‌توان مهار کرد. مشیت الهی قلمرو ما نیست.

ما آن را تجربه می‌کنیم، مشاهده می‌کنیم، معمولاً بعد از وقوع، هر چه باشد. هیچ چیز خارج از کنترل خدا نیست. اگر یک شهاب سنگ به زمین برخورد کند و خسارات و ویرانی بزرگی به بار آورد، باز هم تحت مشیت الهی خواهد بود و برای ساکنان زمین مشیت منفی محسوب می‌شود، اما خدا را غافلگیر نکرد.

شاید خدا می‌توانست مداخله کند، اما او این کار را نکرد. تنها به حکمت خداست که می‌توانیم برخی از منفی‌های بزرگ را، به ویژه در حوزه فیزیکی، توضیح دهیم، چه یک محقق باشد. من محققانی را می‌شناسم که در جوانی، درست در اوج جوانی، از دنیا رفتند.

ای بابا، ما فقط منتظر جلد دوم بودیم، انگار که اینطور بود، و آنها مردند. و آنها به مرگ‌های تصادفی، اغلب اوقات، گاهی اوقات به دلیل بیماری، مردند. چرا خدا آنها را نجات نداد؟ منظورم این است که آنها تناقضات ارزشمند، بسیار ارزشمندی را مطرح می‌کردند.

خدا معمولاً تصمیم نمی‌گیرد که در زندگی دخالت کند. زندگی می‌گذرد، اما او تصمیم نمی‌گیرد که دخالت کند. این روال اوست.

ما دیده‌ایم، همه ما همیشه این را می‌بینیم. حتی یحیی تعمید دهنده زمانی که عیسی چند مایل دورتر روی زمین راه می‌رفت، درگذشت و عیسی هیچ مداخله‌ای نکرد. یحیی بزرگترین مردی است که از زن زاده شده است. طبق آنچه عیسی در کتاب لوقا گفته است، و با این حال او هیچ مداخله‌ای نکرد.

بنابراین، ما باید به این واقعیت عادت کنیم که چیزهایی که در زندگی تجربه می‌کنیم، به ویژه، البته، روی جنبه‌های منفی آن تمرکز خواهیم کرد. بیکاری، حقوق کم، سرطان، انواع بیماری‌ها. ما دوستان خوبی داریم که ام‌اس دارند، و بیماری لو گریگ تعدادی از رهبران بزرگ مسیحی را که می‌شناسیم، مبتلا کرده است.

و بنابراین، در نتیجه، در مورد آن چه می‌کنید؟ خب، باید این واقعیت را بپذیرید که این همان چیزی است که من آن را مشیت منفی نامیده‌ام. درد، شر فیزیکی، سونامی در اقیانوس آرام، طوفان‌هایی که من در فلوریدا زندگی می‌کنم، برف در شمال، امم، مست‌هایی که نوزادان را زیر می‌گیرند، امم، این یک مشیت منفی است. و شما درگیر مسائل زیادی می‌شوید.

ما قبلاً در مورد این موضوع صحبت کردیم، وقتی که من اعتقادنامه را برای شما خواندم، که در آن در مورد خدا، از جمله در مورد مشیت الهی، فرمانروایی و حتی علل ثانویه او صحبت شده بود. و این یک موضوع مهم است که شما باید در فلسفه و الهیات مطالعه کنید. ما در اینجا به آن نمی‌پردازیم، اما برای این حوزه کاملاً حیاتی است.

بسیار خوب. تثنیه ۲۹:۲۹. چیزهای مخفی متعلق به یهوه خدای ماست.

است. اما چیزهایی که وحی می‌شوند برای همیشه متعلق به ما و فرزندان ما هستند، تا بتوانیم ASV این پژواک تمام کلمات این قانون را انجام دهیم. هر چیزی که ما در آنجا با هم در مورد آن صحبت کرده‌ایم، اینطور نیست؟ حاکمیت خدا برای ما آشکار نشده است، اما اراده اخلاقی او و کلمات قانون برای ما آشکار شده‌اند، و این حوزه مسئولیت ماست.

نه تنها این، انجام دادن، نه یافتن، انجام دادن همه کارهای شریعت. ایوب ۴۲ نیز، همانطور که اشاره کردم، و اشعیا ۴۶:۱۰، بلکه تثنیه ۲۹:۲۹ متنی بسیار مهم است. عاموس ۳:۷، مطمئناً خداوند یهوه، که خداوند خواهد بود، کاری نمی‌کند جز اینکه راز خود را به بندگان، انبیا، آشکار کند.

حال، هیچ چیز به حوزه بشریت مربوط نمی‌شود. چیزهایی وجود دارد که خدا هنوز برای ما آشکار نکرده است. او ایده اکسیا، کلیسا، را تا زمانی که به عهد جدید نرسیم، آشکار نکرد.

آنها هنوز با برخی از آن چیزها دست و پنجه نرم می‌کردند تا اینکه وحی نازل شد، اگرچه برخی می‌گویند که می‌توانند نشانه‌هایی از آن را حتی در عهد عتیق ببینند. او راز خود را برای بندگان، انبیای عهد عتیق، که عاموس به آنها هشدار داده بود، و برای رسولان و انبیا، به ویژه رسولان عهد جدید، آشکار می‌کند. افسسیان ۱:۳، تا ۱۳، ۱۴.

ضمناً، یکی از چیزهایی که در کتاب مقدس‌های مدرن نمی‌بینید، جمله‌ی واقعی است. برای دیدن جمله‌ی ASV، تقریباً باید به متنی به زبان اصلی مانند عهد جدید یونانی نگاه کنید. نسخه‌های قدیمی‌تر، مانند اغلب جمله‌ی کامل را حفظ می‌کنند که بسیار طولانی می‌شود و گاهی اوقات، برای انگلیسی مدرن، ناخوشایند است.

اما آنها به آن احترام می‌گذارند و آن را حفظ می‌کنند. اما به هر حال، در افسسیان ۱:۳ تا ۱۴، این ۱۱ آیه، یک جمله است. آیه ۵ می‌گوید، که ما را از پیش برای ما مقدر کرد، ما را برای فرزندخواندگی مقدر نمود، و راز اراده خود را به ما آشکار ساخت، یعنی اینکه ما فرزندان او شده‌ایم، که طبق هدف او مقدر شده‌اند.

خب، هدف به حاکمیت مربوط می‌شود، اینطور نیست؟ در مورد کسی که همه چیز را مطابق با رأی اراده خود، انجام می‌دهد. جمله‌ی بسیار بزرگی است. برخی گفته‌اند که افسسیان بیشتر شامل نوشته‌های پولس است، هرچند که حتی از کتاب رومیان هم کوتاه‌تر است.

بنابراین، مطالعه‌ی این کتاب بسیار مهم است. بنابراین، مشیت الهی، خدای حاکم بر ماست که اتفاقات تاریخ را رقم می‌زند. گاهی خوب، گاهی بد.

و مسئله شر در اینجا مطرح می‌شود. مسئله شر این است که ما یک خدای کاملاً خیرخواه داریم که قادر مطلق است، و با این حال شر اتفاق می‌افتد. بنابراین، یک ملحد می‌گوید یا او کاملاً خیرخواه نیست، یا قادر مطلق نیست، یا اوضاع اینگونه نخواهد بود.

خب، این نظر شماست. این نظر خدا نیست. خدا خواهد گفت که شر در زندگی، به این معنا اجازه می‌دهد و در تقدیر خود اجازه داده است که برای اهدافی که ما نمی‌دانیم اتفاق بیفتد.

فکر می‌کنم مثل آن کسی است که نابینا به دنیا آمد. چرا نابیناست؟ تقصیر والدینش بود یا خودش؟ و عیسی گفت که این کار برای ستایش خدا و شفای اوست. بنابراین، نمی‌توانیم خیلی سریع در مورد نکات منفی زندگی و همچنین نکات مثبت آن نتیجه‌گیری کنیم.

مشیت الهی توصیف شده است. توصیف اعمال پنهانی خداوند در کتاب مقدس تأیید شده است. ما متونی را اینجا و آنجا دیده‌ایم.

دسترسی به اعمال مخفی خدا کار ما نیست. تو نباید از خدا بپرسی، پروردگارا، دو هفته دیگر چه اتفاقی برای من خواهد افتاد؟ ما هرگز، هرگز تشویق یا به ما گفته نشده که چنین کاری انجام دهیم. ما این کار را نمی‌کنیم.

خدا در آسمان‌ها ننشسته و منتظر نیست که به ما چیزهایی بگوید. اگر می‌خواستید زندگی‌تان را تغییر دهید، اگر می‌دانستید آینده چیست، پس الان در حال زندگی کردن نبودید. پولس و بزرگان افسس را یادتان هست؟ آنها گفتند که قرار است به اورشلیم بروید.

تو توسط رومی‌ها به اسارت گرفته خواهی شد. پولس می‌گوید من اهمیتی نمی‌دهم چون در زندگی خودم مصمم هستم که خواست خدا این است که من به آنجا بروم. پس من می‌روم.

دانستن آینده نظر پاول را تغییر نداد. بنابراین، دانستن آینده بیش از حد بزرگ شده است. احتمالاً بهتر است که شما آن را ندانید.

توصیف افعال مخفی خداوند تأیید شده است. دسترسی به افعال مخفی خداوند کار ما نیست. ما دریافت کننده هستیم.

در نتیجه، ممکن است نتایج آن را در طول زندگی خود ببینیم، اما ما هیچ اختیار واقعی برای اعلام واقعیت اعمال او نداریم زیرا او به ما نگفته است. آنچه خدا آشکار نکرده است، ما واقعاً نمی‌دانیم. می‌توانیم حدس بزنیم و ممکن است تعجب کنیم که چرا کووید-۱۹ چنین تأثیری بر بشریت گذاشته است. چرا سونامی به جزایر اقیانوس آرام برخورد کرد و این همه انسان را کشت؟ چرا طوفان‌ها، سه تا از آنها پشت سر هم، از فلوریدا عبور کردند؟ آیا ما نافرمانی کرده‌ایم و این یک قضاوت بود؟ من فکر می‌کنم وقتی مردم چنین اظهاراتی می‌کنند، از مرزها عبور می‌کنند.

ما نمی‌توانیم اعمال جهان خود را توصیف کنیم، و واقعاً نمی‌توانیم ادعا کنیم که همبستگی بین طبیعتی که خدا آفریده و خودش و آنچه ممکن است انتخاب کند را می‌دانیم. ما هر دو اتفاق را در کتاب مقدس، به ویژه در عهد عتیق و روایات، می‌بینیم، اما چنین بینشی نداریم. چنین چیزی به ما داده نشده و به ما گفته نشده که با آن برخورد کنیم.

در نتیجه، ما ممکن است نتایج را ببینیم اما هیچ اختیار واقعی برای اعلام واقعیت اعمال او نداریم. از یک نظر، خدا پشت همه چیز است. از نظر دیگر، خدا از ابزارهای زیادی برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کند.

این کار خداست. این تنظیم و ارکستراسیون زندگی اوست. وظیفه ما نیست که آن را بفهمیم.

این کار خداست، و ما نیستیم که بفهمیمش. جونی، اسم فامیلش یادم نیست، که در یک حادثه غواصی دچار فلج کامل شد. با این حال، او این شغل را به عنوان سخنگوی لطف خدا تبدیل کرد.

علیرغم آن فاجعه، مردم در موارد بسیاری این کار را انجام داده‌اند. برخی به خاطر آن شناخته و بدنام می‌شوند. برخی دیگر به دلیل مشیت منفی، به زندگی دردناک و سختی ادامه می‌دهند.

هم منفی و هم مثبت در جهان خداوند هستند. بنابراین، اگر شما دریافت کننده مشیت مثبت بیشتری در زندگی هستید، باید از این بابت از خداوند سپاسگزار باشید. خداوند هر رویدادی را در تاریخ بشر هدایت می‌کند و او تمام جنبه‌های کیهان را به سمت یک پایان باشکوه هماهنگ می‌کند.

بسیار خوب. پیامدهای مشیت الهی. می‌توانیم فرض کنیم که خدا همیشه در حال کار است.

حالا، انجام این کار همیشه آسان نیست. اگر در ... دراز کشیده باشید، من دوستی در این شرایط داشتم. او تصادف ماشین داشت.

او در ماشینش گیر افتاده بود. بوی بنزین را حس می‌کرد. کره چشمش روی گونه‌اش افتاده بود.

آنها تحت فشار زیاد بیرون می‌پریدند و او نمی‌توانست کاری انجام دهد. درمانده بود. تنها آیه‌ای که در آن زمان به ذهنش می‌رسید این بود که در همه چیز شاد باش.

خب، این بلوغ مسیحی خوبی است، اما مشکلات او را حل نکرد. او به سلامت از آنجا بیرون آمد. اما واقعیت این است که ما باید فقط فرض کنیم که خدا همیشه در حال کار است.

او لزوماً برای رهایی ما از درد، در امور فرعی دخالت نمی‌کند. او این کار را برای سه دوست دانیال انجام داد. اما آدم توی کوره‌ی گند می‌پرد.

شما نتایج مشابهی نخواهید دید. ما نمی‌توانیم قاطعانه کار مخفی او را اعلام کنیم. می‌توانیم آن را مشاهده کنیم.

ما می‌توانیم تعجب کنیم. اما شما نمی‌توانید اعلامیه صادر کنید. اما ما می‌توانیم در آغوش او آرام بگیریم.

خدا پادشاه چوپان ماست. می‌دانید، در عهد عتیق، خداوند چوپان من است، من محتاج به هیچ چیز نخواهم بود. چوپان، در عهد عتیق، در بافت خاور نزدیک باستان، استعاره‌ای برای پادشاه بود.

بنابراین، وقتی گفته می‌شود خدا، خداوند شبان من است، خداوند پادشاه من است و جنبه‌های دیگری از پادشاهی او را مطرح می‌کند. اما خدا با تمام جزئیات این استعاره‌ها، پادشاه شبان ماست. این جای آرامش است.

ما به عنوان انسان دوست داریم مسائل را کشف کنیم. ما می‌خواهیم بدانیم. ما به طور خاص می‌خواهیم بدانیم.

من کاملاً اینطور هستم. من کلیات را نمی‌خواهم. من جزئیات را می‌خواهم.

و با این حال، خدا همیشه این کار را برای ما انتخاب نکرده است. ما باید بر اراده آشکار خدا، کلام او، تمرکز کنیم. ما بر اساس نحوه برخوردمان با آن قضاوت می‌شویم.

من عمیقاً به این موضوع اعتقاد دارم. وقتی در مقابل عیسی بایستیم، یکی از بزرگترین مسائل این خواهد بود که با پیامی که برای شما گذاشتم چگونه برخورد کردید؟ آیا طبق آن زندگی کردید یا آن را نادیده گرفتید؟ فکر می‌کنم می‌خواهم در پایان این خط باشم زیرا می‌دانم که آن روز برای اکثر ما واقعاً باشکوه نخواهد بود. اعلام مشیت الهی آسان است.

گفتن اینکه، اوه، این خواست خداست. انجام این کار بسیار آسان است. توضیح منفی‌گرایی و تخریب وحشت برخی از آن وقایع و پیامدهای آنها به چیزی بیش از آنچه اکثر ما می‌توانیم جمع کنیم، نیاز دارد.

اما مطمئناً برای لمس سرود مشیت الهی، به مطالعه و تحقیق جدی نیاز است. بنابراین، این یک بخش عمده از جهان‌بینی مسیحی است، آیا این مسئله مشیت الهی است؟ برخی می‌گویند، خب، مسیحیان این را اختراع کرده‌اند تا مجبور نباشند از خدایی که از آنها مراقبت نمی‌کند، خجالت بکشند.

خب، ما توضیحات دیگری هم داریم، مگر نه؟ خدا نقشه خودش را دارد. او نقشه‌اش را در زمان مناسب به انجام خواهد رساند. و ما همه چیز را در آن سوی ماجرا خواهیم دید.

این خیال‌واهی نیست. این واقعیت حال حاضر است. چند نکته‌ی کلاسیک برای تأمل.

وظیفه این کلاس تمرکز بر اراده آشکار خداوند است. ما در اینجا نمی‌توانیم مسائل عمیق‌تر مشیت و حاکمیت را بررسی کنیم. این کار الهیات فلسفی است.

وظیفه ما این بوده است که بر کلام او تمرکز کنیم، راه‌های بهتری برای رسیدن به کلام او یاد بگیریم، نه اینکه فقط بگوییم، اوه، این کار از نظر معنوی مصلحتی است. این در رابطه با جدیت تصمیم‌گیری در زندگی بسیار ضعیف است. ما کلیسا را به عنوان... دیدگاه کلیسا در مورد جنگ چیست؟ دیدگاه کلیسا در مورد جنسیت به ویژه تراجنسیتی چیست؟ دیدگاه کلیسا در مورد تمایلات جنسی چیست؟ و ما شاهد بوده‌ایم که کلیسا در بسیاری از سطوح در برخی از این زمینه‌ها نیز شکست خورده است.

بنابراین این وظیفه برخی از حوزه‌های تفکر بسیار عمیق است. مسائلی که برای همیشه مسئله شر را به چالش می‌کشند. من اینجا پشت سرم هستم، به دلیل تلویزیون نمی‌توانید ببینید، من موقتاً اینجا هستم تا این سخنرانی‌ها را انجام دهم.

من یک قفسه پر از کتاب در مورد مشیت الهی و مسائل شر دارم. و من در حال خواندن هستم، و هنوز سرم را تکان می‌دهم. می‌توانم بفهمم، نمی‌توانم بفهمم.

این یک تمایز مهم است. من از گفتن این جمله خسته می‌شوم که اوه، من نمی‌توانم تثلیث را درک کنم. خب، فکر می‌کنی چه کاری را نمی‌توانی انجام دهی؟ نمی‌توانی؟ نه، نمی‌توانی.

این احمقانه است. آیا می‌توانی آن را بفهمی؟ فهمیدن به معنای پذیرفتن ضمنی اظهارات است، به خصوص در کتاب مقدس در مورد پدر، پسر و روح القدس. من مجبور نیستم آن را بفهمم، اما می‌توانم آن را بفهمم.

من می‌توانم خیلی از چیزهایی را که نمی‌فهمم، بفهمم. بین فهمیدن و درک کردن تفاوت زیادی وجود دارد. مسئله‌ی شر، چالش دعای بی‌پاسخ.

کمی در موردش صحبت خواهیم کرد. من به هیچ وجه جواب همه سوالات را ندارم. بچه‌ها، من در بعضی از این حوزه‌ها متن‌های بیشتری دارم که توضیح نداده‌ام.

همه همکارانم هم همینطور. خب، من در جمع خوبی هستم. ما نمی‌توانیم مسائل عمیق‌تر مربوط به مشیت الهی و حاکمیت را بررسی کنیم.

این وظیفه برای همیشه چالشی برای همه ماست. بنابراین، مسئله شر، چالش دعای بی‌پاسخ، سکوت ظاهری خدا. سر رابرت اندرسون، قرن‌ها پیش، کتابی درباره سکوت خدا نوشت.

و به نظر می‌رسد که دعاهایتان بالا می‌روند، به سقف می‌خورند و دوباره به صورتتان برمی‌گردند. اما واقعیت این است که خدا هنوز بر تخت سلطنت خود نشسته است - سردرگمی ما در مورد واقعیت زندگی.

ما هرگز نخواهیم فهمید، پس تسلیم شو. تسلیم شو. ایوب نمی‌توانست بفهمد.

او، نمی‌توانم تصور کنم. ایوب مرد بهتری از من بود، خیلی بهتر. چطور گذشت؟ خب، همه چیزش را از دست داد.

او همه چیز را از دست داد، اما صداقت خود را با خدا از دست نداد. بنابراین، مشیت الهی یک چالش است. شما باید شروع به مطالعه آن کنید.

نمی‌توانم، هیچ راه آسانی ندارم که تمام ماجرا را برایتان تعریف کنم - فعلاً نتیجه‌گیری. مطالعه‌ی حاضر دیدگاه کلاسیک حاکمیت و مشیت مطلق خداوند را تأیید می‌کند.

معلم فعلی شما از مشیت مثبت و مشیت منفی برای توصیف زندگی استفاده می‌کند، بدون اینکه سعی در توضیح علیت داشته باشد. این چیزی است که واقعاً من را به چالش می‌کشد. مطالعه‌ی مشیت مطلق عمیق‌ترین سطوح تفکر شما را به چالش خواهد کشید.

این موضوع عمیقی است از نظر صداقت، نه از آن چیزی که ما تئودیک‌سازی می‌نامیم. تئودیک‌سازی به معنای استدلال به شیوه‌ای است که از خدا محافظت می‌کند. من که هستم که از خدا محافظت کنم؟ ما باید این سؤالات را صادقانه بررسییم و به دنبال آنها برویم، و این بهترین کاری است که می‌توانیم انجام دهیم.

منابع، من به آنها نمی‌پردازم. می‌توانید آنها را در یادداشت‌ها ببینید، و اگر بتوانید آنها را بازیابی کنید، من به شدت جلد اشپیگل را برای شروع توصیه می‌کنم. قاب هم همیشه خیلی خوب است.

خب، این مسئله‌ی حاکمیت است. در نهایت، یک سخنرانی در بازه‌های زمانی کوتاه‌تر، هرچند که آن را با روح القدس داشتیم. خب، سخنرانی بعدی ما که آن هم تا حدودی کوتاه خواهد بود، در مورد دعا و اراده‌ی خدا خواهد بود.

و ما به طور خلاصه در مورد آن صحبت خواهیم کرد، و من به شما اطلاعات بیشتری برای فکر کردن و سوالات بیشتری که من هم به آنها پاسخ نداده‌ام، خواهم داد. پس، روز خوبی داشته باشید. خدا شما را حفظ کند.

، و هر کجا که هستید، اگر آسیب دیده‌اید، و اگر در نقطه‌ای دورافتاده از جهان در معرض خطر جدی هستید، دعا می‌کنیم که خدا با شما باشد و در دوران سختی که با آن روبرو هستید، به شما کمک کند. متشکرم.